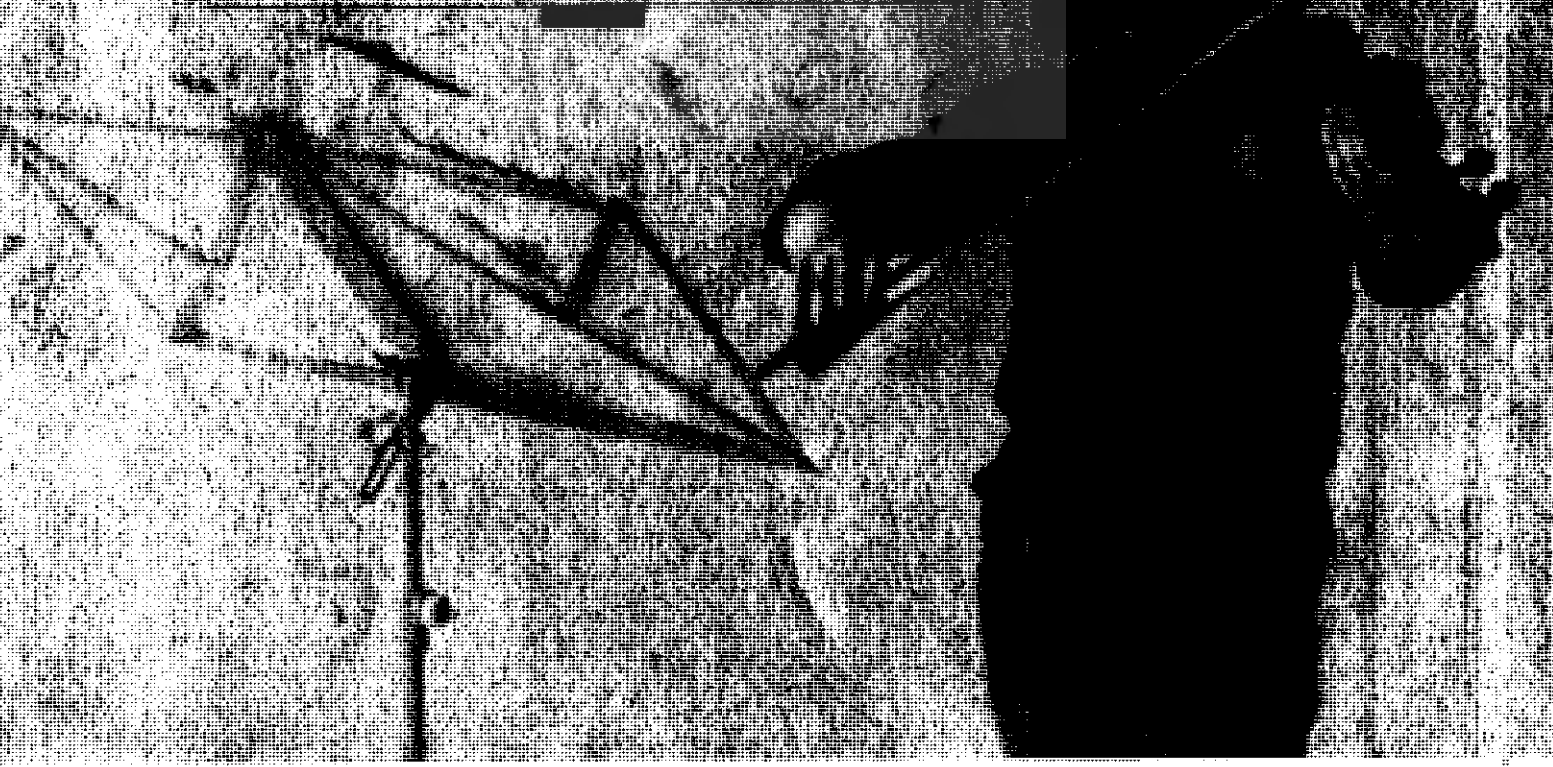


Handwritten text in the top left corner, possibly a page number or date.

Main body of handwritten text in Urdu script, consisting of several lines of prose.

مہینہ والا ایسے موسیقار



انفعالات کام‌ها در ملودی را تشخیص دهند یا فرودهای نامنظم را مشخص کند. (سفلور کادانسی است که روی درخت آگاه تمام نمی‌شود.)

یک استعداد خاص در موسیقی که می‌گویند تحت تاثیر هم محیط و هم وراثت است، موضوع بواک نام است. یعنی کودک قادر است که بواک دقیق هر صدای را تشخیص داده و به نوبه خود هر بواک را به دقت بازسازی کند بدون آنکه بواکی از این به عنوان نمونه مرجع داشته باشد. (به کسی که نتواند بواکی را با کمک گفته عطف به خصوص بخواند، که خود مهارتی به خصوص و نادر است. بواک زبانی می‌گویند.)

گرچه بسیاری از موسیقی‌دانان تربیت‌شده نواک نام ندارند، ولی تربیت موسیقی به رشد این استعداد کمک می‌کند و در میان موسیقی‌دانان حرفه‌ای متداول‌تر از مردم عادی است. تحقیقات اخیر نشان داده که بواک نام در خانواده‌ها ارثی است. محققان به دنبال معادله DNA بعضی از این خانواده‌ها هستند تا ساینده این خصوصیت آن را پیدا کنند.

ترغیب به پذیرش موسیقی

یکی از بهترین راه‌هایی که پدر و مادر می‌توانند علاقه به موسیقی را در کودکان خود برانگیزند، آن است که خود نمونه مثبتی برای آنها شوند. عشق خود را به موسیقی نشان دهند، جدهای خود را از سخن‌شمار تانگو با موسیقی و کسرتو اساکند و برای آنها و به همراه آن‌ها در منزل آواز بخوانند.

نوزادی

نوزادانی که در منزل موسیقی می‌شنوند اشباح حسی بس از حرف

را در طیف وسیعی از گدهای موسیقی تشخیص دهند. این قدرت در مورد فرهنگ‌هایی که به فرهنگ خودشان تفاوت‌های عمده دارد هم صادق است در یک سنی این نواز بودن ذهن کودک که کم از سن رفته و شمارات موسیقی کودک به فواصل صوتی فرهنگ خود او شکل می‌گیرد. کودکان تلاش‌های ابتدایی خود را برای آواز خواندن از هشت ماهگی هم می‌توانند آغاز کند و از خود صداهای موسیقایی درآورند و با دوازده ماهگی قدرت خود را برای تکرار الگوهای بواک مشخص نشان می‌دهند. تا هجده ماهگی هماهنگی بس حرکات و ریتم و توانایی تکرار فواصل صوتیک به خصوص (در مقابل بواک‌های تکی)، رشد می‌کند. وقتی آواز خواندن واقعی آغاز می‌شود، بس سال‌های دود و سه زندگی، صدا کلمات را می‌آموزد، بس از آن ریتم و صدای بواک. تا پنج سالگی، کودک صاحب ریتم پوری از آوازهاست.

بچه‌های کودکستانی می‌توانند نوعاً عبارات موسیقایی را تشخیص دهند و مفهوم سرعت و یونانی را می‌فهمند (سرعت به معنای شدت یا کندی و یونانی به معنای قوت و نرمی صدا). هفت‌ساله‌ها تفاوت‌های بواک را حتی به گونه‌هایی که در ده‌سالگی در یانند، بین سخن ریتم و هست سال حساسیتی نسبت به مفهوم نماید (فقط در حد کمی است) در آواز می‌کند و همراه آن قدرت تشخیص تغییرات در هر موسیقی هم‌بسی حساسیت در و برای تشخیص صداهای مازور و میسور مهیور می‌شد و کودک می‌تواند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



معروف‌ترین آن‌ها، برنامه پرورش استعداد «سوزوکی» است، که به وسیله مربی ژاپنی به نام «شینچی سوزوکی»^{۱۱} آغاز شد. این برنامه روشی است برای آموزش ویولن، که بعدها به آموزش پیانو و سایر سازها گسترش پیدا کرد. روش سوزوکی، که بر پایه روش یاد گرفتن زبان مادری است، از طریق پیروی از قدم‌هایی که یک کودک زبان می‌آموزد، به او موسیقی یاد می‌دهد. در این برنامه، اول گوش دادن است و سپس تقلید و در مرحله آخر خواندن و نوشتن. کودک در آغاز به نوار قطعات موسیقی مورد نظر گوش داده و سپس آن را حفظ می‌کند. پس از آن مطالعه مفاهیم موسیقی در درس‌های بعدی او گنجانده می‌شود. پدر و مادران که هم در درس‌های خصوصی و هم در کلاس‌های دسته‌جمعی شرکت می‌کنند، در جلسات تمرین شرکت فعال داشته و هم‌پای کودکان خود یاد می‌گیرند. گروه‌بندی‌های دسته‌جمعی مرتب، برای اجرای موسیقی با سایر کودکان جزء جدانشدنی این برنامه است.

یک برنامه دیگر ژاپنی، برنامه پرورش موسیقی «یاماها»^{۱۵} است، که هم در موسیقی کلاسیک و هم موسیقی‌های عامیانه، زمینه‌های اولیه را در دسترس دانش‌آموزان قرار می‌دهد. کودکان بین چهار تا شش سال در کلاس‌های هشت تا دوازده نفره یک برنامه آموزشی دو ساله را به تدریج و مرحله به مرحله دنبال می‌کنند و والدین در تمام فعالیت‌ها حضور داشته و کودکان خود را در منزل یاری می‌کنند. فعالیت‌ها شامل آواز خواندن و حرکات کامل جسمانی است که در طی آن مقدمات «کیبورد» را می‌آموزند ولی هیچ نوع آموزش پیانو یا سازهای دیگر صورت نمی‌گیرد.

یک برنامه دیگر «دال کروز یوریتیمیک»^{۱۶} است که در کنسرواتوار موسیقی ژنو به وسیله «امیل ژاک دال کروز»^{۱۷} تدوین شد و تکیه آن بر حرکات جسمانی و خلاقیت است. کودک اصول اولیه موسیقی مانند ملودی، ریتم و دینامیک را از طریق حرکات طبیعی و یاد می‌گیرد. همچنین سیلاب‌های سلفژ (دو-ر-می-فا-سل-لا-سی)، تربیت گوش و بدیهه‌نوازی روی «کیبورد» را همراه با sight-singing مطالعه می‌کنند. روش آموزش «دال کروز» از طریق برنامه‌های ویژه به طور معمول با همکاری مدارس موسیقی اجرا می‌شود.

بعضی معلمان خصوصی هم از روش‌های آن برای تدریس ریتم استفاده می‌کنند.

دو روش دیگر که هر دو به وسیله آهنگسازان معروف قرن بیستم اروپایی ساخته شده‌اند، وجود دارد که شامل استفاده از آهنگ‌های محلی به عنوان مقدمه‌ای به موسیقی هستند. روش «کار مدرسه آرف»^{۱۸}، که به وسیله آهنگساز آلمانی به نام «کارل آرف»^{۱۹} در سال ۱۹۵۰ تدوین شد بر رقص و فعالیت‌های ریتم‌دار تکیه دارد و هم از آهنگ‌های محلی و هم از ساختارهای محاوره‌ای که از طریق آهنگ‌های کودکانی و بازی‌های بچه‌ها ابداع شده است استفاده می‌کند. این روش همچنین با سازهای کوبه‌ای خاصی که توسط آرف توسعه داده شده و می‌توانند هم ریتم و هم ملودی به وجود آورند شناخته می‌شود. بسیاری از معلمان موسیقی در مدارس خصوصی و دولتی از روش‌های آرف به عنوان قسمتی از کار تدریس خود

کودک را با موسیقی از طریق آواز خواندن برای او تقویت کنند. نوزادان، در همه جای دنیا، لالایی و آوازهای آرام دیگر را که دارای نواک محدود و الگوی ملودی ساده و تکراری هستند ترجیح می‌دهند. در اواسط سال اول می‌توان آوازهای زنده‌تری را بر آنها افزود و آوازهای سؤال و جوابی مانند

«Old McDonald» را با شرکت کودکان و حرکات موزون با آن‌ها خواند. آوازهای مورد علاقه بیشتر آنهایی هستند که اشعاری درباره حیوانات یا با صدای حیوانات دارند و یا به قسمت‌هایی از بدن اشاره دارند که می‌توانند همراه با ریتم آهنگ لمس شوند. آواز خواندن می‌تواند نوزاد را آرام کند و تسلط او را بر لغات تقویت کند. این کار می‌تواند همراه با انجام کارهای متداول در منزل و خانواده باشد.

نوزادان همچنین می‌توانند از گوش دادن به اسباب‌بازی‌های موسیقی‌دار و اسباب‌بازی‌های حیوانات که آواز می‌خوانند بهره بگیرند. بین سنین شش تا نه ماهگی می‌توانند با وسایل موسیقی به شکل اسباب‌بازی‌های کوبی بازی کنند.

دوران نانی نانی

در این مرحله کودک دوست دارد تا از صداها تقلید کند و با موسیقی حرکت کند. پدر و مادران نباید از اینکه کودک یک آواز را خارج بخواند یا ضرب مناسب را حفظ نکند نگران شوند. این‌ها قدرت‌هایی هستند که بعدها رشد خواهند کرد. رشد موسیقی در کودکان می‌تواند به وسیله شنیدن انواع موسیقی به خصوص موسیقی زنده و موسیقی‌هایی که کودک دوست دارد تقویت شود. بازی‌های با موسیقی هم که شامل هم آواز خواندن و هم حرکت باشد، در همین جهت مؤثر است. در این مرحله کودکان همچنین می‌توانند از وسایل با ریتم ساده استفاده کنند. مانند زدن روی طبل یا سازهای کوبه‌ای دیگر، تکان دادن ماراکس واقعی یا خانگی (نوعی جفجغه) و به صدا درآوردن بلز. برای کودکان در این مرحله می‌توان در تمام مدت روز، چندین بار آواز خواند حتی در درون اتومبیل.

دوران پیش دبستانی

کودکان پیش دبستانی می‌توانند بازی‌های زیر و بمی صوتی را انجام دهند و آغاز به شناسایی صدای سازهای مختلف کنند و با عکس‌های آن‌ها تطبیق دهند. اگر در منزل پیانو وجود داشته باشد می‌توانند با آن آغاز به تمرین کنند. بازی‌هایی که شامل دست زدن و حرکت هنگام موسیقی است و با حرکت موسیقی جلو می‌رود و می‌ایستد، در این سنین بسیار محبوب هستند. در جریان یاد گرفتن و تسلط بر آوازه‌ها که در آن شعرخوانی فردی و آواز جمعی پشت سر هم می‌آیند، کودک به فرم‌های موسیقی آگاهی می‌یابد. کودکان پیش دبستانی همچنین می‌توانند حکایات کوچک درباره آهنگسازان و آهنگ‌های آن‌ها یاد بگیرند.

رویکردهای گروهی سیستماتیک مختلف برای آموزش موسیقی، که همگی از خارج آمده‌اند، در مقطع پیش دبستانی آغاز می‌شود.

تمرین‌ها تن در دهد، تسلط بر مهارت‌های نوین هدفی عمده می‌شود. رشد مهارت‌های حرکتی ظریف ادامه یافته و باعث افزایش سرعت و فرزنی آنها می‌شود و تا نه سالگی توانایی کاربرد مستقل دست‌ها و نیز هماهنگی دست و چشم بهبود می‌یابد.

اجرا، بُعدی مهم به تجربه کودکان دبستانی از موسیقی می‌افزاید. بسیاری از کودکان به طور طبیعی از اجرا شاد می‌شوند. در این مرحله اگر والدین آنها را در سنن جوانی در این راه بیندازند از ترس‌های بعدی روی صحنه بودن در سنن بالاتر جلوگیری می‌کنند.

کودکانی که درس خصوصی موسیقی می‌گیرند می‌توانند در کنسرت‌هایی که معلمان یا مدرسه موسیقی آنها ترتیب می‌دهند بنوازند. همه کودکان می‌توانند در برنامه‌های آوازی یا سازی مدرسه، اجرا داشته باشند. سایر فعالیت‌ها مانند اردوگاه‌های تابستانی و فوق برنامه‌های مدرسه فرصت‌های مناسب برای اجرا یا شرکت در مراسم گروهی به وجود می‌آورد.

دوران بلوغ

هنگامی که جوانان به سن بلوغ می‌رسند، علایق به خصوص خود را در مورد موسیقی در یافته‌اند که اغلب شامل انواع موسیقی‌های رایج مردمی است. آن‌ها به طور معمول شروع به جمع‌آوری مجموعه موسیقی مورد علاقه خود می‌کنند. تلاش‌های والدین برای محدود کردن سلیقه موسیقی فرزندانشان در این مقطع مثبت نیست. همه سعی آن‌ها باید در جهت وسعت بخشیدن تجربه موسیقایی آن‌ها باشد نه محدود کردنشان. علاقه به انواع موسیقی می‌تواند همزمان وجود داشته باشد و به طور مثال عشق به موسیقی کلاسیک یا جاز به خصوص وقتی همراه با آموزش و شرکت فعال باشد، تحت تأثیر علاقه به موسیقی راک قرار نخواهد گرفت.

نوجوانان می‌توانند به کنسرت‌های موسیقی کلاسیک بروند و در اجراهای گروهی مدرسه شرکت کنند. شرکت در ارکسترهای دانش‌آموزی، گروه‌های مارش یا کر می‌تواند دیسپلین، کار گروهی و مهارت‌های اجتماعی را ارتقا بخشد. تئاترهای موزیکال می‌توانند برجسته‌ترین کارهای مدرسه در سال شوند. این تئاترها تجربه‌های اجرایی بالارزشی به نوجوانان می‌دهند. جوانان با علاقه جدی در موسیقی کلاسیک می‌توانند در اردوگاه‌های موسیقی شرکت کنند، در رقابت‌های مدرسه یا سازمان‌های موسیقی وارد شوند، در فعالیت‌های موسیقی مذهبی شرکت کنند و به گروه یا انجمن‌های موسیقی ملحق شوند.

درس‌های موسیقی

اگرچه کودکان می‌توانند در مدرسه تا درجات مختلف موسیقی یاد بگیرند ولی آموختن خصوصی یک ساز موسیقی، مهارت و ادراکی فراتر از درس‌های درون کلاس به آنها می‌دهد. همچنین درس‌های خصوصی موسیقی باعث ایجاد اعتماد به نفس، دیسپلین، توانایی استفاده بهینه از زمان و رشد ذهنی و مهارت

استفاده می‌کنند. آهنگساز مدرن دیگری که یک سیستم آموزش موسیقی به وجود آورد، «ژولتان کدالی»^{۲۰} مجارستانی است و روش او که در سال‌های ۱۹۲۰ تدوین شده بود، در سال‌های ۱۹۶۰ به آمریکا معرفی شد. این روش که برای کودکان از سه سال به بالا ساخته شده است، هدف را رشد گوش دادن صحیح و حس ریتم کودک از طریق آواز قرار داده است و از آهنگ‌های کودکانی و موسیقی محلی زادگاه کودک استفاده می‌کند. کودک از طریق آواز، خواندن و نوشتن موسیقی را می‌آموزد و بعد از آن با استفاده از وسایل موسیقی آشنا می‌شود.

سنن مدرسه‌ای

در کلاس‌های دبستانی می‌توان کودک را به کنسرت‌های مخصوص جوانان برد. در این کنسرت‌ها قطعه‌های کوتاه و متنوع اجرا می‌شود که توجه او را حفظ می‌کند و به طور محسوس کوتاه‌تر از اجرای



آن قطعات برای بزرگسالان است. همچنین کودکان می‌توانند از طریق گوش دادن به موسیقی در منزل و خواندن کتاب‌های کوتاه درباره موسیقی و آهنگسازان، شروع به آشنایی با انواع مختلف و دوره‌های موسیقی نمایند. پس از شش یا هفت سالگی آنها به رشدی می‌رسند که می‌توانند درس خصوصی با ساز را آغاز کنند. وقتی که کودک مایل و قادر است که به تمرین با ساز و تکرار

چوبی و برنجی (فلوت، کلارینت، پیکولو، ابوا، فاگوت و ترومپت)، که احتیاج به رشد ظرفیت ریه کودک دارد، دیرتر آغاز می‌شود، به طور معمول حدود ده یازده سالگی است. یادگیری ترومبون و هورن فرانسوی حدود سیزده سالگی، گیتار آکوستیک در هشت یا نه سالگی، گیتار الکترونیک، چنگ و ویولا در یازده یا دوازده سالگی و کنترباس حدود سیزده سالگی می‌توانند آغاز شوند.

برای پیدا کردن معلم، والدین بایستی از والدین دیگر که کودکانشان درس موسیقی می‌گیرند و از موسیقیدان‌های محل اقامتشان، مثل معلم موسیقی مدرسه فرزندشان سؤال کنند. یک معلم مجرب بایستی مدرک موسیقی داشته باشد. عضویت در یک سازمان حرفه‌ای موسیقی محک دیگری بر معتبر بودن معلم است. با وجود این، ۷۳٪ آموزش‌دهندگان موسیقی، حتی بسیاری از معلمان خوب، به این دو گروه تعلق ندارند. معلم باید مایل به توضیح اساس روش آموزش خود برای والدین باشد و روابط خوبی را با کودک پایه‌ریزی کند.

بزرگ‌ترین چالش در کار موسیقی، داشتن یک برنامه مرتب تمرین است؛ تمرین ساز بر پایه یک برنامه روزانه مرتب. بیشتر از هر فعالیت دیگر کودک احتیاج به دیسپلین دارد. این تمرینات باید به طور مرتب بدون توجه به حال و هوای شخص، سایر برنامه‌ها یا داشتن یا نداشتن انرژی از سوی هنرجو دنبال شود.

تمرین موسیقی کاری تکراری در تنهایی است که به طور معمول احتیاج به زمان طولانی دارد تا نتایج محسوسه به دست دهد. تمرینات می‌توانند مؤثرتر انجام شوند اگر معلم نکات چگونگی تمرین را، نه فقط چه تمرین کردن را، به هنرجو بگوید. اگرچه تمرین موسیقی نباید به یک نیروی مداوم اصطکاک بین والدین و فرزندان تبدیل شود، والدین نیاز به ترغیب زیاد و تشویق منظم فرزندانشان دارند. مفید است که یک برنامه منظم تمرین برای کودک در نظر گرفته شود تا تمرینات جز جدانشدنی برنامه روزانه وی شوند.

پی‌نوشت:

1. Abstract
2. Mozart Effect
3. Howard Gardner
4. Frames of Mind
5. Volume of sounds
6. زیر و بمی pitch
7. Motherese or Parentese
8. Tempo
9. dynamics
10. Tonality
11. Cadance
12. perfect pitch
13. relative pitch
14. Shinichi Suzuki
15. Yamaha
16. Dalcroze Eurhythmic
17. Emile Jacques Dalcroze
18. Orff Schulwerk
19. Carl orff
20. Zoltan Kodaly



عضلاتی می‌شود. به علاوه درس خصوصی، کودک را از رشد عادات بد در نواختن سازها باز می‌دارد. این عادات در مردمی که بدون سرپرستی معلم مبادرت به نواختن ساز می‌کنند به آسانی می‌تواند اتفاق بیفتد شروع درس‌های خصوصی بعد از عادات بد نواختن، به خصوص در طولانی‌مدت، می‌تواند یادگیری اصولی را به طور جدی به تأخیر بیندازد. بنا به نوع ساز و روش آموزش، درس‌های خصوصی موسیقی می‌توانند از سه سالگی تا دوران دبیرستان آغاز شود. تحقیقات نشان داده است که روش آموزش از اهمیت کمتری نسبت به استعداد هنرجو، میزان تعهد او، روابط بین معلم و هنرجو و میزان تعهد و حمایت والدین برخوردار است.

کودکان می‌توانند یادگیری بیشتر سازهای موسیقی را در مقطع دبستان شروع کنند ولی نباید درس‌های آواز را قبل از سن بلوغ آغاز کنند. (برای دختران دوازده تا چهارده سال و پسران پانزده تا هفده سال) به دلیل تفاوت‌های فردی در رشد جسمی و ذهنی، مشخص کردن سن دقیق برای شروع آموزش موسیقی برای همه کودکان امکان ندارد. اما راهنمایی‌های کلی ممکن است. پیانو، ویولن و فلوت ریکوردر می‌توانند در پایین‌ترین سنین آموزش داده شوند، اگرچه اندازه ویولن ۱/۴ یا ۲/۴ برای کودکان لازم است. با استفاده از روش پیش گفته «سوزوکی»، کودکان می‌توانند یادگیری ساز را در سنین زودتری نسبت به روش‌های دیگر شروع کنند. امکان شروع روش سوزوکی از سه یا چهار سالگی وجود دارد که به دلیل چند ویژگی مشخص است. هنرجویان پیش از توانایی خواندن نت‌ها به کمک گوش آغاز به نواختن می‌کنند، والدین در درس‌ها و جلسات تمرین شرکت می‌کنند و هنرجویان بیشتر نواختن خود را در گروه انجام می‌دهند. به دلیل اینکه بیشتر انواع روش‌های آموزشی بر پایه خواندن نت‌هاست، کودکان نمی‌توانند تا رسیدن به سن کافی برای شروع خواندن نت‌ها، درس‌ها را آغاز کنند که به طور معمول این سن هم‌زمان با شروع خواندن و نوشتن در مدرسه است. درس‌های معمولی پیانو و ویولن (اندازه ۱/۴ ویولن) به طور معمول در شش یا هفت سالگی می‌توانند آغاز شوند. یک کودک می‌تواند نواختن ویولن سل ۲/۴ را در هفت سالگی آغاز کند. یادگیری سازهای بادی